فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره بیست و سوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۸۵-۱۶۹ New Period, No 23, 2020, P 169-185
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

طراحی کلاس وارونه و اثربخشی آن در انگیزش تحصیلی دانش آموزان ابتدایی

علی اصغر ماشینچی[۱]. احسان اله برومند[۲]. حمزه راهپیما[۳]
۱. استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد. ایران
۲. دانشجوی دکترا برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی لامرد. ایران
۳. دانشجوی دکترا برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی لامرد. ایران

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی طراحی کلاس وارونه و اثرگذاری آن بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی- اسنادی است که با روش کتابخانه‌ای و مروری بر منابع نظری مرتبط صورت گرفت؛ پس از تبیین مفاهیم و پیشینه‌ی تحقیق، کلاس وارونه تاریخچه، تعاریف، مزایا و محدودیت‌های آن، انگیزش و تاریخچه ی آن پرداخته شد. نتایج این بررسی نشان داد که در عصر کنونی و تغییر شیوه‌های مختلف یادگیری از غیرفعال به فعال، سرعت یادگیری های نیز تغییر یافته است. سیستم های سنتی به دلیل غیرفعال بودن باعث کاهش انگیزش در دانش آموزان شده و به مرور باعث دلزدگی آن‌ها می شدند ولی با تغییر این رویکرد و استفاده از روش‌های نوین تدریس و همچنین استفاده از فناوری‌های نوین می‌توان به بهبود امر یادگیری بسیار امیدوار بود. الگوی آموزشی کلاس وارونه به‌عنوان یک جایگزین بسیار امیدوارکننده برای تدریس سنتی مبتنی بر سخنرانی ظهور یافته و شبکه‌ای از ترکیب فناوری‌های یادگیری برخط با یادگیری مشارکتی و فعال رابا هم ترکیب کرده که باعث افزایش انگیزش و یادگیری موثرتر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: کلاس وارونه، برنامه ریزی درسی، انگیزش، دانش آموز

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مقدمه

آموزش و پرورش، کلید فتح آینده است و از دیرباز انتظار از آموزش و پرورش آن بوده که انسان‌های فردا را تربیت کند و نسل امروز را برای زندگی در جامعه‌ی فردا آماده سازد؛ بنابراین ضرورت دارد برنامه‌ریزان و سیاستگذاران آموزشی، معلمان و مسوولان آموزش‌وپرورش، الزاما مقتضیات زندگی فردا را بشناسند تا بتوانند دانش و بینش لازم را در کودکان و جوانان برای فعالیت در جامعه فردا پرورش دهند. در راستای این سیاست، شناسایی ویژگی‌های آموزش و پرورش کارا و اثربخش از اهمیت خاصی برخوردار است.

سیر تحول و پیشرفت علوم و فنون در عصر حاضر شتابی روز افزون یافته است و تکنولوژی‌های اطلاعاتی هر روز با ابداعی نوین، اطلاعات بیشتری را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند؛ بنابراین طبیعی است که از نظام آموزشی با همه محدودیت‌هایش انتظار رود تا این حجم از اطلاعات را در اختیار فراگیران قرار دهد. طبق نظر روانشناسان پرورشی یادگیری، زمانی بهتر و تأثیرات آن ماندگارتر خواهد بود که با فعال‌سازی و مشارکت هر چه بیشتر فراگیران در امر یادگیری همراه باشد؛ بنابراین امروزه تأکید متخصصان آموزشی، بر استفاده از روش‌های نوین و فعال یادگیری و فراگیر محوری است.

روش‌های تدریس نوین به سمت تعاملی شدن پیش می‌روند به‌طوری که بر فعالیت دانش‌آموز در کلاس تاکید دارند و معلم تنها سخنران کلاس نیست. در این نوع از روش‌های تدریس علاوه بر این‌که معلم از وسایل و امکانات آموزشی متعددی استفاده می‌کند، توانمندی‌ها و علایق دانش‌آموزان را نیز مد نظر قرار داده و تلاش می‌کند از آن در امر آموزش استفاده نماید که این امر باعث ایجاد یادگیری پایدارتری در دانشجو می‌شود.

در دهه‌های اخیر، شاهد تحول رویکردهای جدید انتقال دانش با گذار از دیدگاه رفتارگرایی به دیدگاه سازنده گرایی بوده‌ایم. در سازنده گرایی تأکید متخصصان بر استفاده از روش‌های نوین دانش‌آموز محور است (حیدری و همکاران، ۱۳۸۸). منظور از آموزش دانش‌آموز محور آموزشی است که در آن فراگیران به کمک معلم، خود مسئولیت درک و فهم مطالب را بر عهده می‌گیرند (سیف، ۱۳۹۱). با توجه به دیدگاه سازنده‌گرایی، یکی از مؤثرترین مدل‌هایی که اخیرا مورد توجه بسیار قرار گرفته و ارتباط بسیار نزدیکی با فلسفه سازنده‌گرایی دارد، مدل کلاس معکوس است که می‌توان به عنوان راه حلی برای معضلات مطرح شده، به آن پرداخت (لیج، پلت و ترگلیا[1] ۲۰۰۰). در این روش استاد قبل از کلاس اسلایدهای آموزشی، فیلم و سایر محتوای درسی که از قبل آماده نموده است را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا آن‌ها قبل از کلاس با محتوای درس جدید آشنا شده و با استفاده از منابع ارائه شده آن را یاد بگیرند. در این روش دانش‌آموزان فرصت دارند تا تکالیف خود را به صورت فردی یا گروهی انجام داده و حین یادگیری فعال و مشارکت با سایرین، مشکلات خود را توسط معلم خود رفع نمایند. از این طریق علاوه بر این که مطالب ارائه شده در کلاس برای دانش‌آموزان تازگی ندارد، با مرور مطالب آموخته شده، یادگیری پایدارتری در

1- Lage, Platt & Treglia

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

آن‌ها اتفاق خواهد افتاد. این نوع روش تدریس به دانش‌آموز زمان می‌دهد تا محتوای آموزشی که در اختیار دارد را بارها و بارها مرور نموده و فیلم‌های آموزشی را با دقت مشاهده نماید.

یکی دیگر از عوامل بسیار موثر در امر یادگیری انگیزش است. اصطلاح انگیزش همانطور که از معنای رایج آن برمی‌آید به علت یا چرایی رفتار اشاره دارد. انگیزش بدین معنا، تمامی روانشناسی را دربر می‌گیرد، اما روانشناسی مفهوم انگیزش را به عواملی محدود می‌سازد که به رفتار نیرو می‌بخشد و به آن جهت می‌دهد. هنگامی که دانش‌آموزان با بی علاقگی درس می‌خوانند، فقط به‌خاطر پاداش بیرونی تکلیف را انجام می‌دهند و وقت خود را صرف چیزهایی می‌کنند که با تکلیف یادگیری مغایر است. معلمان می‌گویند آنها بی‌انگیزه‌اند. همچنین زمانی که به نداشتن انگیزه اشاره می‌شود که دانش‌آموزان آشکار از پرداختن به تکلیف یادگیری خودداری می‌کنند یا از عهده اعمالی که به آنها کمک می‌کنند تا به طور موفقیت‌آمیزی آن را تکمیل کنند، برنمی‌آیند. به هر حال بارها دیده می‌شود دانش‌آموزانی که از لحاظ توانایی و استعداد یادگیری بسیار شبیه به هم هستند در پیشرفت تحصیلی تفاوت‌های زیادی نسبت به یکدیگر دارند. این تفاوت نه تنها در یادگیری درس‌های آموزشگاهی بلکه در سایر فعالیت‌های غیردرسی نیز به چشم می‌خورد. این جنبه از رفتار آدمی به حوزه انگیزش در روانشناسی مربوط و خلاصه می‌شود. شناسایی مفهوم انگیزش و آگاهی از انگیزه‌های مختلف به معلم کمک می‌کند تا در طرح و اجرای برنامه‌های آموزشی خود روش‌های بهتری را به کار گیرد. (گروسی[1]، ۱۹۹۲).

مطالعات نشان گر آن است که محیط آموزشی می‌توانند باعث رشد یا بازدارنده یادگیری باشد. این موضوع چندین دهه مطالعات بسیاری را در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه روان‌شناسی به خود معطوف کرده است و این اعتقاد وجود دارد که مدل‌های جدید آموزشی نیازمند حرکت، کار گروهی و پویایی است. با توجه به اهمیت نوع تدریس در افزایش انگیزه و یادگیری دانش‌آموزان، پژوهش حاضر، بر آن است که طراحی کلاس وارونه و بررسی اثر بخشی آن در انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان پایه ابتدایی را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد.

پیشینه تحقیق

ـ قهرمانی تولابی (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر آموزش معکوس بر میزان یادگیری درس علوم تجربی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهرستان کرمانشاه انجام شد. نتایج نشان داد که آموزش به شیوه معکوس بر میزان یادگیری درس علوم تجربی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی تاثیر معنادار دارد.

ـ جعفرآقایی، دهقان زاده و خردادی آستانه (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان تجربه دانشجویان پرستاری از بکارگیری مدل آموزشی کلاس درس معکوس انجام دادند. نتایج نشان داد که با توجه به نوپا بودن این رویکرد آموزشی مطالعات بیشتری برای بررسی تاثیر آن بر برآیندهای مختلف یادگیری لازم است.

1- Groccia

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ـ نجف‌زاده (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان مقایسه تأثیر روش کلاس وارونه با روش سنتی بر میزان پیشرفت تحصیلی و سطح یادگیری دانش‌آموزان پایه نهم شهر تبریز انجام داد. نتایج نشان داد که آموزش وارونه در مقایسه با کلاس سنتی باعث بهبود سطح یادگیری و در نتیجه باعث پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان می‌شود.

ـ اسماعیلی‌فر، تقوایی یزدی و نیاز آذری (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان تاثیر استفاده از رویکرد کلاس معکوس بر یادگیری درس علوم دانش آموزان دوره ابتدایی انجام دادند. نتایج به دست آمده حاکی از تاثیر استفاده از روش کلاس معکوس بر یادگیری دانش آموزان در درس علوم بود.

ـ الوند، هوشیار و فراحی (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان تاثیر آموزش معکوس بر عملکرد و انگیزه پیشرفت تحصیلی درس علوم (مطالعه موردی: دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی ناحیه ۶ مشهد) انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که محیط کلاس گروه آزمایش، از معلم محور بودن به سمت دانش‌آموز محور حرکت کرده است. دانش‌آموزان در این کلاس از تعامل و انجام فعالیت اعلام رضایت نموده اند و نقش معلم در کلاس، طراح و تسهیل گر آموزشی بوده است.

ـ اصلانی و دوستی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر آموزش به روش کلاسه وارونه ای بریادگیری دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی دردرس علوم انجام دادند. نتایج نشان داد که استفاده از روش تدریس کلاس وارونه‌ای منجر به ایجادیادگیری دردانش‌آموزان می‌شود.

ـ کیاحسینی و دوستی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان مقایسه تأثیر آموزش به روش کلاس معکوس و روش تدریس متداول در یادگیری دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی در درس ریاضی انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که روش تدریس کلاس معکوس نسبت به روش تدریس متداول تفصیل بیشتری بر یادگیری دانش آموزان دارد.

ـ اصلانی و دوستی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان مقایسه تأثیر آموزش به روش کلاس وارونه‌ای و روش تدریس سخنرانی بریادگیری دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی دردرس علوم انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که روش تدریس کلاس وارونه‌ای نسبت به روش تدریس سخنرانی تاثیر بیشتری بر یادگیری دانش آموزان دارد.

ـ کیاحسینی و اصلانی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر آموزش روش کلاس معکوس بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهرستان اندیمشک در درس مطالعات اجتماعی در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین نمرات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در قبل و بعد از به کارگیری روش کلاس معکوس تفاوت معناداری وجود دارد.

ـ جمال الدین و عثمان (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان کلاس وارونه و کلاس‌های سنتی و تصورات و ادراک دانشجو و مدرس بین این دو فرهنگ یادگیری (مطالعه موردی) در پلی تکنیک مالزی انجام دادند. نتایج

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

نشان داد که کلاس وارونه می‌تواند میزان یادگیری فراگیران را بالا ببرد و زمان بیشتری برای حل مشکلات آموزشی فراهم می‌شود.

ـ جانسون (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان دیدگاه دانشجویان از کلاس وارونه در دانشگاه بریتیش کلمبیا، انجام داد. نتایج نشان داد که فراگیران در محیط کلاس معکوس از یادگیری لذت می‌برند و تماشای ویدئوهای آموزشی در امر یادگیری به آنها کمک می‌کند.

ـ میسیلداین، فونتین، سامرز و گوسسلین (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان تاثیرکلاس وارونه بر موفقیت تحصیلی و رضایت دانشجویان پرستاری دانشگاه تگزاس در تایلر انجام دادند. نتایج نشان داد که کلاس معکوس منجر به ارتقای سطح عملکرد و بهبود یادگیری و رضایت تحصیلی فراگیران می‌شود.

ـ فولتن (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان تاثیر کلاس وارونه در بهبود یادگیری دانش‌آموزان در دبیرستان بایرون ایالات متحده آمریکا انجام داد. نتایج نشان داد که استفاده از کلاس معکوس بر روی یادگیری فراگیران تأثیر مثبت دارد.

ـ مارلو (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان تاثیر کلاس وارونه در آموزش علوم بر پیشرفت وسطوح استرس دانشجویان دانشگاه ایالتی مونتاونا بوزمان انجام داد. نتایج تحقیق نشان داد که در کلاس‌های وارونه سطح استرس فراگیران پایین‌تر از کلاس‌های معمولی است. مانند بسیاری از تحقیقات در این زمینه، پژوهش وی نیز حاکی از احساس مثبت فراگیران به کلاس معکوس است.

درمجموع نتایج تحقیقات بالا بیانگر این است که استفاده از روش تدریس کلاس وارونه در امر یادگیری و انگیزه دانش‌آموزان موثر بوده و باعث پیشرفت تحصیلی آن‌ها می‌شود و نسبت به روش‌های سنتی تدریس موثرتر بوده است ولی می‌بایست به طور علمی و با برنامه‌ریزی دقیق و مدرن به سمت استفاده منطقی از این روش در امر آموزش حرکت کرد.

کلاس وارونه

کلاس وارونه[1]شکل جدیدی از کلاس‌های درسی حضوری است. در این کلاس‌ها فعالیت‌هایی که به طور سنتی در کلاس‌های درس انجام می‌شده مثل تدریس مطالب اصلی هر درس در خانه توسط دانش‌آموزان انجام می‌شود. دانش‌آموزان برای یادگیری محتوای دروس از فیلم‌های آموزشی، چندرسانه‌ای‌ها، پادکاست و از این قبیل استفاده می‌کنند و فعالیت‌هایی که به‌طور سنتی در خانه انجام می‌شده مثل انجام تکالیف و پروژه‌های درسی در کلاس انجام می‌شود به این ترتیب کلاس می‌تواند مکانی برای تعامل با معلم و دانش‌آموزان، یادگیری دانش‌آموزان از هم و انجام کار عملی به شکل گروهی باشد و می‌توان تحرک، نشاط و پویایی کلاس‌های درسی را افزایش داد (حمدان[2]، ۲۰۱۳).

1- Flipped Classroom
2- Hamdan

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

کلاس وارونه را می‌توان شیوه‌ای آموزشی قلمداد کرد که شامل دو بخش است :آموزش مستقیم انفرادی و استفاده از محتوای آماده شده و یا معرفی شده توسط معلم، مثل ویدئو، کتاب (در خارج از کلاس) و فعالیت‌های یادگیری گروهی و تعاملی در داخل کلاس (حقانی، رضایی، بیگ‌زاده و اقبال، ۱۳۹۵).

کلاس وارونه نوعی روش آموزشی جدید است که در آن دانش‌آموزان قبل از حضور در کلاس، سخنرانی‌های ویدئویی درباره موضوعات درسی آن روز را مشاهده می‌کنند. سپس در کلاس حضور می‌یابند و معلم به پرسش‌های آن‌ها پاسخ می‌دهد. این روش سبب می‌شود محوریت معلم نیز کاهش یابد. (یانگ[1] ۲۰۱۷).

تاریخچه کلاس وارونه

شاید تا امروز معلمان این کار را تجربه کرده‌اند که درس جلسه بعدی را به فراگیران متذکر شوند تا در خانه مطالعه کنند و در کلاس درس با آمادگی حاضر شوند. اگر این تجربه را داشته باشید در بدترین شرایط و بدون اعمال برنامه خاصی از سوی معلم، حداقل درصدی از محتوا را فراگیران یاد می‌گیرند یعنی نقطه شروع یادگیری دیگر صفر نیست. در مصاحبه با یکی از دبیران علوم پایه متوسطه دوم که چند سال پیش این روش را بکار می‌برد، اذعان داشت که یادگیری نسبت به حالت سنتی بهتر بود و حتی نمرات کمی دانش‌آموزان هم که منجر به کسب رتبه شده بود، همین را تأیید می‌کرد. استفاده از شیوه کلاس وارونه و متعاقب آن رسیدن به یادگیری وارونه شاید تاریخی برابر با تاریخ تعلیم و تربیت دارد. ولی آنچه به ثبت رسیده نزدیک به ۱۰ سال پیش توسط جان برگمن[2] و آرون سمز[3] دبیرن شیمی ایالت کلرادو آمریکا برمی‌گردد. (برگمن و سمز، ۱۳۹۵).

سلمان خان بنیانگذار آکادمی خان با اجرای یک برنامه تد در سال ۲۰۱۱ به گسترش کلاس وارونه کمک شایانی کرد (سلمان خان[4] ۲۰۱۶)

کلاس وارونه، یک راهبرد پداگوژیکی است که در ابتدا در آموزش عالی مورد استفاده قرار گرفت و سپس در دبیرستان و مدارس میانی (متوسطه اول، معمولاً از پایه پنجم تا هشتم)رشد چشمگیری یافت (تاچر[5] ۲۰۱۲). تکامل این شیوه آموزشی توسط نوآک و پیترسون[6] در سال ۱۹۹۸ صورت گرفت و شامل ترکیب کلاس درس مشارکتی با مواد آموزشی برخط و فعالیت‌هایی برای کمک به مدرسان جهت درک نیازهای فراگیر، ارائه بازخورد به‌موقع و طرح درس برای پاسخ به نیازهای آنان بود (ایستس[7] ۲۰۱۵). کلاس وارونه به شکل‌های گوناگونی توسعه یافت، اما الگوی موردپسند و واحد آن توسط دو تن از

1- Yang
2 Jonathan Bergmann
3 Aaron Sams
4 Khan، Salman
5 tucker,
6 Novak & Patterson
7 Estes

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

متخصصان به نام‌های جان برگمن و ارون سمز[1] ارائه شد (چوآ و لاتف[2]؛ ۲۰۱۴). این افراد که در سال ۲۰۰۸ در دبیرستان وودلند پارک[3] در شهر کلرادو[4] معلمان شیمی بودند، پی بردند که برای تدریس مجدد به دانش آموزان غایب با دشواری‌هایی مواجهه هستند، ازاین‌رو شروع به ضبط کلاس‌های درس خود با استفاده از نرم‌افزارها کردند. آن‌ها بعدها پی بردند که حتی دانش‌آموزان غایب نیز فیلم‌های ضبط‌شده آنان را مشاهده می‌کردند، چراکه این امر به آنها کمک می‌کرد تا درس‌های کلاسی خود را تقویت و بررسی کنند (فیندالی و مومبرکت[5]؛ ۲۰۱۴).

تعاریف کلاس وارونه

لیج[6] و همکاران (۲۰۰۰) ساده‌ترین تعریف از کلاس وارونه را ارائه می‌دهند و آن را شامل وقایعی می‌دانند که به صورت سنتی جایگاه آن در داخل کلاس درس بوده، حال به بیرون از کلاس درس منتقل می‌شود و همچنین وقایعی که جایگاه آن در خارج از کلاس درس بوده و حال به داخل کلاس درس منتقل می‌شوند؛ بنابراین در یک نگاه کلی کلاس وارونه مبتنی بر فراگیر محوری و یادگیری های فعال است.

کلاس وارونه را می‌توان شیوه‌ای آموزشی قلمداد کرد که شامل دو بخش است: آموزش مستقیم انفرادی و استفاده از محتوای آماده شده و یا معرفی شده توسط معلم، مانند فیلم‌های آموزشی، چندرسانه‌ای‌ها، پادکاست و از این قبیل (در خارج از کلاس) و فعالیت‌های یادگیری گروهی و تعاملی در داخل کلاس (حقانی، رضایی، بیگ‌زاده و اقبال، ۱۳۹۵).

کلاس وارونه یک روش آموزش برای وارونه کردن روش آموزش سنتی به منظور رهایی از تدریس آموزشی است. در روش سنتی، کلاس درس به محتوای آموزشی اختصاص پیدا می‌کند و در این راستا تکالیفی جهت به کار گرفتن آن در بیرون از کلاس درس برای فراگیران، در نظر گرفته می‌شود اما کلاس وارونه یک راهبردی است که سخنرانی‌های آموزشی را از طریق فیلم برداری ضبط کرده و آن را به بیرون از کلاس درس منتقل می‌کند (لیتل[7] ۲۰۱۵؛ زانگ[8] و همکاران، ۲۰۱۶؛ مک نالی[9] و همکاران، ۲۰۱۶؛ مافت و میل[10]؛ ۲۰۱۴؛ ماتیس[11]؛ ۲۰۱۵، زین الدین و عطاران، ۲۰۱۵).

از سویی دیگر کلاس وارونه فقط شامل صرف کردن زمان کلاس درس برای یادگیری فردی نیست بلکه شامل استفاده از انواع آموزش و یادگیری، تشویق فراگیران به پذیرش مسئولیت یادگیری خود، تقویت

1- Jonathan Bergmann & Aron Sams
2 Chua, & Lateef
3 Woodland Park
4 Colorado
5 Findlay, & Mombourquette
6 Lage
7 Little
8 Zhang
9 McNally
10 Moffett & Mill
11 Mattis

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

آنان در جهت رسیدن به یادگیری در حد تسلط در محتوا می‌شود (هلگسون[1] ۲۰۱۵؛ فاتچ۲۰۱۵[2]؛ اسوت[3] ۲۰۱۴)؛ از این رو حامیان کلاس وارونه تبیین می‌کنند که این رویکرد می‌تواند باعث بهبود تعامل معلم و شاگرد (مک لین[4] و همکاران، ۲۰۱۶؛ گراس[5] و همکاران، ۲۰۱۶؛ روتلر و کین[6] ۲۰۱۶؛ تان[7] و همکاران، ۲۰۱۵؛ استونپ[8]، ۲۰۱۲، شولتز و همکاران، ۲۰۱۴)، تسهیل یادگیری عمیق از طریق فعالیت‌های یادگیری در کلاس درس (لاو و همکاران، ۲۰۱۴؛ بوشاپ و ورلگر[9] ۲۰۱۳، مافت، ۲۰۱۵، پارشر[10] ۲۰۱۵)، منجر به پویایی کلاس، افزایش انگیزه و یادگیری عمیق‌تر (گلزاری و عطاران، ۱۳۹۵)؛ کمک به درک فراگیران نسبت به سبک‌های یادگیری و عملکردشان (تالی و شرر[11] ۲۰۱۳؛ یانگ[12] و همکاران، ۲۰۱۴؛ ونگر[13] همکاران، ۲۰۱۳؛ والاس، ۲۰۱۳، فرسی[14] و همکاران، ۲۰۱۳) و پرورش درگیری فراگیران شود (مک لین[15] و همکاران، ۲۰۱۶، لیتل[16] ۲۰۱۵؛ کلارک[17] ۲۰۱۵، گیل بوی[18] و همکاران، ۲۰۱۵)؛ همچنین در این رویکرد ارائه محتوا در کلاس درس کنار گذاشته می‌شود و مدرسان می‌توانند فعالیت‌های کلاسی را از طریق آموزش اینکه چگونه فراگیران به علت مسائل دست یابند و اطلاعات را در زندگی واقعی به کار گیرند، فراهم کنند. اجرای راهبردهای کلاس وارونه باعث افزایش درک فراگیران نسبت به اهمیت فعالیت‌های قبل از کلاس درس و تقویت آن در داخل کلاس درس می‌شود (روتلر و کین[19] ۲۰۱۶)؛ همچنین این پداگوژی این امکان را به مدرسان می‌دهد که زمان بیشتری را در کلاس درس به آموزش فراگیران بپردازند (والاس[20] ۲۰۱۳).

درکلاس وارونه جای خانه و مدرسه عوض می‌شود، به بیانی دیگر کلاس وارونه یک شیوه آموزشی است که شامل دو بخش است آموزش مستقیم انفرادی (با استفاده از محتوای آماده شده و یا معرفی شده توسط معلم مثل ویدیو، کتاب) درخارج از کلاس و فعالیت‌های یادگیری گروهی و تعاملی در داخل کلاس. در زمان کلاس معلم با دانش‌آموزان بر روی پروژه یا تمرین یا مسأله تنظیم شده کار می‌کند. کلاس وارونه

---

1 Helgeson
2 Fautch
3 Sweet
4 McLean
5 Gross
6 Rotellar & Cain
7 Tan
8 Stone
9 Bishop & Verleger
10 Prashar
11 Talley & Scherer
12 Young
13 Wagner
14 Forsey
15 McLean
16 Little
17 Clark
18 Gilboy
19 Rotellar & Cain
20 Wallace

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

سخنرانی در کلاس را حذف می‌کند، بنابراین دانش‌آموزان نیاز ندارند در مکان یکسانی کار کنند. درکلاس وارونه دانش‌آموزان مسأله‌ای در خانه انجام نمی‌دهند به جای آن محتوای آماده شده و یا معرفی شده توسط معلم را مطالعه می‌کنند. کلاس وارونه یک شیوه نوین آموزش است که به معلمان اجازه می‌دهد که به یادگیری هر دانش‌آموز بر اساس نیازهای فردی او کمک کند. کلاس وارونه بعضی از وظایف فرایند یادگیری را به خارج از کلاس انتقال می‌دهد و از وقت کلاس در جهت تسهیل تقویت و کاربرد محتواها استفاده می‌کند. به یادگیرنده کمک می‌کند که بر موضوع تسلط یابد. مسؤلیت اصلی در این روش بر عهده یادگیرنده است و معلم به عنوان راهنما یا تسهیل‌کننده در این روش نقش ایفا می‌کند. اگر فعالیت‌های قبل از کلاس در این روش به صورت آنلاین انجام گردد، یادگیرنده محتواهای جدید را به وسیله تماشای ویدیوهای سخنرانی ضبط شده، پادکست‌ها یا مقالات و کتاب‌ها در مکان خودشان (معمولاً در خانه) بررسی می‌کنند. با سایر دانش‌آموزان و معلم به صورت آنلاین قبل از کلاس ارتباط برقرار می‌کنند و تکالیف‌ها در کلاس درس انجام می‌شود. البته در زمانی که دارند ویدیوها را تماشا می‌کنند باید تعاملاتی هم داشته باشند. بنابراین معلمان می‌توانند از آنها بخواهند که سوالاتی یا نکاتی را یاداشت کرده یا توضیحاتی را در وبلاگ یا سایتی که قرار دارند، بگذارند.

مزایای کلاس وارونه

در یادگیری به شیوه وارونه، دانش‌آموز با استفاده از ویدیو یا یک چند رسانه‌ای می‌تواند تدریس معلم را بارها و بارها تماشا کند، آن را عقب و جلو ببرد، مکث کند، روی بخش خاصی بیشتر تمرکز کند و مطالبی را تکرار و ذخیره کند. در این صورت، هر دانش‌آموز بر اساس ویژگی‌های شخصی و با توجه به تفاوت‌های فردی خود، به درک مطلب و یادگیری می‌پردازد. بنابراین، کلاس وارونه به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد بر برخی از عناصر از جمله زمان، مکان، مسیر یادگیری و همین‌طور سرعت یادگیری کنترل داشته باشند، چرا که می‌توانند از طریق اینترنت یا هر رسانه‌ی دیگری، هر جا که بخواهند، محتوای آموزشی را دریافت و مسیر یادگیری را با سرعت مورد نظرشان طی کنند (استیکر و هورن[۱] ۲۰۱۲).

برگمن به تجربه دریافت، دانش‌آموزان با گذشت مدتی از حضورشان در کلاس وارونه، پرسش‌های بهتری می‌پرسند و عمیق‌تر به موضوعات می‌اندیشند. به نظر وی، از جمله مهم‌ترین مزایای استفاده از آموزش‌های ویدیویی، «امکان برقراری روابط انسانی عمیق‌تر» است، چرا که زمان آزاد شده به‌وسیله آموزش‌های اولیه (فایل‌های ویدیویی) امکان تعامل و ارتباط بیشتری را بین معلم و دانش‌آموز در کلاس درس فراهم می‌سازد و از محوریت بالای معلم در کلاس درس می‌کاهد. او می‌گوید: «اکنون وقت کافی دارم تا به تک‌تک دانش‌آموزان رسیدگی کنم و زمان بیشتری را در کنار دانش‌آموزانی سپری کنم که

---

۱ Staker and Horn

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

سعی می‌کنند بر موضوع تسلط یابند. در این صورت، دانش‌آموزان مستعد نیز آزادی بیشتری برای یادگیری مستقل دارند» (برگمن، جاناتان و سمز، آرون، ۱۳۹۶).

کلاس وارونه مزایای دیگری نیز دارد. برای نمونه، حقانی و همکاران (۱۳۹۵) تعاملی بودن، توجه به نیازهای دانشجو و فراهم آوردن بازخورد را از جمله مهم‌ترین مزایای کلاس وارونه می‌دانند (حقانی و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین قرار گرفتن مطلب در حافظه بلندمدت و جذاب بودن درس از جمله مواردی است که علی‌خانی و نیلی احمدآبادی (۱۳۹۵) از آن نام برده‌اند. علاوه بر موارد ذکر شده، کلاس وارونه می‌تواند چالشی را که همه مقاطع تحصیلی را در برگرفته و زنگ خطر را برای نظام آموزشی به صدا درآورده است، بهبود ببخشد.

بدین ترتیب که با آموزش‌های اولیه به صورت انفرادی (آموزش برخط یا ویدیویی)، سطوح پایین حیطه شناختی بلوم (دانش و درک) را به دانش‌آموز واگذار کند و زمان کلاس را به سطوح بالای این حیطه (کاربرد، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی) اختصاص دهد و با اختصاص زمان به انجام فعالیت‌های گروهی، یادگیری مبتنی بر مسئله و دیگر راهبردهای یادگیری فعال، یادگیری را بهبود خواهد بخشید.

همچنین حامیان کلاس وارونه تبیین می‌کنند که این رویکرد می‌تواند باعث بهبود تعامل معلم و شاگرد (مک لین و همکاران[1] ۲۰۱۶ ؛گراس و همکاران[2] ۲۰۱۵ ؛ روتلر و کین[3] ۲۰۱۶ ؛ تان و همکاران[4] ۲۰۱۵ ؛ استون[5] ۲۰۱۲، شولتز و همکاران[6] ۲۰۱۴)، تسهیل یادگیری عمیق از طریق فعالیت‌های یادگیری در کلاس درس (لاو و همکاران[7] ۲۰۱۴ ؛ بوشاپ و ورلگر [8] ۲۰۱۳، مافت[9] ۲۰۱۵، پارشر[10] ۲۰۱۵)، منجر به پویایی کلاس، افزایش انگیزه و یادگیری عمیق‌تر (گلزاری و عطاران، ۱۳۹۵)؛ کمک به درک فراگیران نسبت به سبک‌های یادگیری و عملکردشان (تالی و شرر[11] ۲۰۱۳ ؛ یانگ و همکاران[12] ۲۰۱۴ ؛ ونگر و همکاران[13] ۲۰۱۳ ؛ والاس[14] ۲۰۱۳، فرسی و همکاران[15] ۲۰۱۳) و پرورش درگیری فراگیران شود(مک لین و همکاران[16] ۲۰۱۶، لیتل[17] ۲۰۱۵ ؛ کلارک[18] ۲۰۱۵، گیل بوی و همکاران[19] ۲۰۱۵)؛ همچنین در

1 McLean and et al.
2 Gross and et al.
3 Rotellar & Cain
4 Tan and et al.
5 Stone
6 Schultz and et al.
7 Love and et al.
8 Bishop & Verleger
9 Moffett
10 Prashar
11 Talley & Scherer
12 Young and et al.
13 Wagner and et al.
14 Wallace
15 Forsey and et al
16 McLean and et al
17 Little
18 Clark
19 Gilboy and et al

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

این رویکرد ارائه محتوا در کلاس درس کنار گذاشته می‌شود و مدرسان می‌توانند فعالیت‌های کلاسی را از طریق آموزش اینکه چگونه فراگیران به علت مسائل دست یابند و اطلاعات را در زندگی واقعی به کار گیرند، فراهم کنند. اجرای راهبردهای کلاس وارونه باعث افزایش درک فراگیران نسبت به اهمیت فعالیت‌های قبل از کلاس درس و تقویت آن در داخل کلاس درس می‌شود (روتلر و کین[1] ۲۰۱۶)؛ همچنین این پداگوژی این امکان را به مدرسان می‌دهد که زمان بیشتری را در کلاس درس به آموزش فراگیران بپردازند (والاس، ۲۰۱۳).

همچنین از مزیت‌های کلاس وارونه، ایجاد فرصت‌هایی برای آموزش فردی است. چنانچه مواد درسی در محیط برخط به فراگیران ارائه شود، آنها می‌توانند در هر زمان و مکانی به آن اطلاعات دسترسی پیدا کنند. در این شیوه با استفاده از سخنرانی‌های ضبط شده، فراگیران بر اساس توقف و تکرار مشاهده می‌توانند بر اساس سرعت مطالعه خود عمل کنند (موفت و میل[2] ۲۰۱۴)؛ در کلاس وارونه فراگیران فرصت‌هایی برای کنترل یادگیری خود دارند. آنها با توجه به اینکه به مواد درسی موردنیاز دسترسی دارند، می‌توانند سرعت مطالعه خود را تنظیم کنند، علاوه بر این، فراگیران می‌توانند زمان و مکان مطالعه خود را انتخاب کنند. دسترسی مداوم به مواد درسی برخط این امکان را برای آن‌ها فراهم می‌کند که در صورت از دست دادن کلاس درس به هر دلیلی، سرعت مطالعه خود را در برنامه درسی حفظ کنند (آلبرت و بتی[3] ۲۰۱۴). فراگیران غایب نیز می‌توانند به آسانی به آرشیو دائمی مطالب دسترسی یابند و این امکان برای آنها فراهم است به شیوهای سازنده در یادگیری خود درگیر شوند (سنگل[4] ۲۰۱۶).

محدودیت‌های کلاس وارونه

جاناتان برگمن و آرون سمز (برگمن و سمز، ۱۳۹۶)، بنیان‌گذاران این شیوه آموزشی، مواردی را به عنوان موانع وارونه کردن کلاس برشمرده‌اند:

الف) مانع فناورانه: از قبیل نبود دسترسی همه فراگیرندگان به فناوری‌های لازم، ناآشنایی معلمان با تولید و کاربرد فناوری‌های مرتبط با کلاس وارونه.

ب) کمبود زمان: تولید فایل‌های ویدیویی و چندرسانه‌ای زمان‌بر است و این امکان وجود دارد که معلمان برای تولید مواد مورد نیاز آموزش‌های قبل از کلاس با کمبود وقت مواجه شوند.

ج) معکوس کردن تفکر خود: به زعم برگمن، مهم‌ترین مانع پیشروی معلمان در تغییر روش آموزش متداول به روش وارونه، معکوس کردن تفکر خود است. زیرا در شیوه سنتی معلم، دانش‌آموزان و حتی والدین آن‌ها به سبک آموزشی سنتی خو گرفته‌اند و آن را مناسب می‌دانند. در تمام جوامع، نسبت به تغییر

---

1 Rotellar & Cain
2 Moffett & Mill
3 Albert & Beatty
4 Sengel

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مقاومت وجود دارد و وارونه کردن کلاس نیز از این امر مستثنا نیست. قبل از هر چیز، معلمان باید طراحی آموزشی خود را وارونه کنند و در طراحی آموزشی خود جای تدریس مستقیم و انجام فعالیت را جابه جا کنند.

د) مسئولیت‌پذیری متفاوت دانش‌آموزان: عوامل متعددی (از جمله سن، فرهنگ و محیط)، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای مثال دانش‌آموزان دوره ابتدایی نسبت به دانش‌آموزان دوره متوسطه در قبال آموزش‌های فردی (کار در خانه) مسئولیت‌پذیری پایین‌تری دارند. این امر بیانگر این موضوع است که معلمان دوره ابتدایی در طراحی آموزشی کلاس وارونه خود و در خصوص واگذاری آموزش‌های انفرادی به دانش‌آموزان خود باید دقت بیشتری به خرج دهند.

همچنین اجرا و به کارگیری روش کلاس وارونه مشکلاتی مانند نارسایی و عدم رشد تکنولوژی موردنیاز، مشکلات دانش‌آموزان در انتقال فنی و توانایی استفاده از ویدئوها (برای مثال سهولت بازگشت به عقب به منظور دیدن یا شنیدن دوباره) را خواهد داشت(والاس، ۲۰۱۳).

از موارد دیگر می‌توان به کمبود منابع و امکانات برای تولید محتوای استاندارد، مشکل توزیع و انتشار محتوا در بین دانش‌آموزان (این مشکل در مناطق محروم حاد خواهد بود)، مقاومت مدیران، دبیران، دانش‌آموزان و اولیا، نگرانی دانش‌آموزان و اولیا از بابت نمره، ناامیدی از شکست‌های اولیه و عدم کسب تجربه و رفع معایب این شکست‌ها اشاره کرد (عباسی، ۱۳۹۵).

تاریخچه انگیزش

تاریخچه انگیزش را ابتدا باید در آثار حکما و فلاسفه پی‌گیری نمود. قبل از اینکه روانشناسی به عنوان یک شاخه مستقل از فلسفه جدا شود این سازه سال‌ها در حوزه فلسفه مطرح بود. در حوزه روان شناسی تبیین‌های اولیه تحت عنوان غریزه صورت گرفت، سپس نظریه‌های سائق مدنظر قرار گرفت. گروهی از روان‌شناسان در همین زمان نظریه مشوق‌ها و تقویت را مطرح کردند. هم چنین مفهوم انگیزه در روانشناسی شخصیت مورد بررسی قرار گرفت. نظریات نیاز توسط افرادی مانند مزلو و مورای صورت‌بندی گردید. به موازات آن نظریات انگیزشی در روان‌شناسی یادگیری نیز وارد گردید، امروزه کار در مورد انگیزه گسترش یافته و هر یک از رویکردهای روانشناسی به نحوی در مورد آن نظر داده‌اند (استیفن پی رابینز[۱]، ۱۳۷۳).

[۱] Stephen P. Robbins

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

تعاریف انگیزه، انگیزش و انگیزش تحصیلی

اصطلاح انگیزه از واژه لاتین موو[1] به معنی حرکت دادن مشتق شده است. انگیزه، چیزی است که ما را به جنبش و حرکت وادار و کمک می‌کند تا تکالیف خود را کامل کنیم. انگیزه را چرایی رفتار گویند. به عبارت دیگر هیچ رفتاری را فرد انجام نمی‌دهد که انگیزه‌ای یا نیازی محرک آن نباشد. انگیزش انسان اعم از خودآگاه یا ناخودآگاه، ناشی از نیازهای اوست. بنابراین در تعریف انگیزه می‌توان گفت: انگیزه یا نیاز عبارت است از حالتی درونی و کمبود یا محرومیتی که انسان را به انجام یک سری فعالیت وامی‌دارد (سیدجوادین، ۱۳۸۶).

از اصطلاح انگیزش تعریف‌های زیادی به عمل آمده است. شاید بتوان گفت یکی از جامع‌ترین آن‌ها تعریف زیر است: انگیزش به نیروی ایجاد کننده، نگهدارنده و هدایت کننده رفتار گفته می‌شود. انگیزه به صورت خواست یا نیز ویژه‌ای که انگیزش را موجب می‌شود، تعریف شده است. انگیزه و انگیزش غالباً به صورت مترادف به کار برده می‌شوند. با این حال می‌توان انگیزه را دقیق‌تر از انگیزش دانست. به این صورت که انگیزش را عامل کلی مولد رفتار اما انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار خاص به حساب آورد. مثلا وقتی که می‌پرسیم چرا فلان شخص رفتار خاصی را انجام می‌دهد، به دنبال انگیزه او هستیم. اصطلاح انگیزه بیشتر در اشاره به رفتار انسان به کار می‌رود. انگیزش در هر نگره تربیتی مفهومی ریشه‌ای دارد. هنگامی که در نظام تربیتی شکستی رخ می‌دهد غالباً انگیزش نکوهیده می‌شود. چنانچه کودکان بومی استرالیای مرکزی و یا کودکان سیاه پوست محروم آمریکایی نتوانند در مدرسه، به خوبی از عهده آن برآیند، بسیاری از معلمان‌شان انگشت روی انگیزه ضعیف آنان می‌گذارند و زمینه خانوادگی آنان را مسئول آموزش آن می‌دانند. والدین این قصور را بر گردن نمی‌گیرند و می‌گویند که شکست برآیند تدریس بد است. بدان معنا که هیچ قصوری در زمینه خانوادگی وجود ندارد و معلم خوب باید بتواند دانش‌آموزان را برانگیزد (مسدد، ۱۳۷۳).

انگیزش یک فرایند زنجیره‌ای است که با احساس نیاز یا احساس کمبود و محرومیت شروع می‌شود، سپس خواست را به دنبال می‌آورد و موجب تنش و کنش بسوی هدفی می شود که محصول آن، رفتار نیل به هدف است. توالی این فرایند ممکن است منجر به ارضای نیاز شود. بنابراین انگیزه‌ها موجب تشویق و تحریک فرد به انجام یک کار یا رفتار می شود در حالی که انگیزش یک خواست کلی را منعکس می‌نماید. در تمام تحقیقات انگیزش هنوز جایگاه تنبیه و تشویق به عنوان انگیزه‌های بسیار قوی مطرح می‌باشد و در این رابطه پول به عنوان ابزاری برای اعطای پاداش مطرح بوده، اما تنها عامل انگیزشی نیست (سید جوادین، ۱۳۸۶).

---

[1] Move

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

یک کلاس ایده‌ال کلاسی است که در آن دانش‌آموزان به درس توجه کامل دارند، سوالات زیادی می‌پرسند، در بحث‌های کلاسی شرکت دارند، تکالیف تعین شده را با دقت و به موقع انجام می‌دهند و معلم را وادار می‌کنند که به خاطر پاسخگویی به پرسش آن‌ها به منابع اضافی مراجعه کند و اطلاعات خود را افزایش دهد. چنین کلاسی را کلاس دارای انگیزه می‌خوانند. در واقع انگیزش موتور محرک تلاش و فعالیت برای یادگیری است. دانش‌آموز بی انگیزه نه تنها رغبتی به درس خواندن و یادگیری نشان نمی-دهد، بلکه با بی‌تفاوتی و بی‌توجهی خود چه بسا برای کار کردن دانش‌آموزان دیگر در کلاس نیز مزاحمت ایجاد کند (کریمی، ۱۳۸۷). شناسایی مفهوم انگیزش و آگاهی از انگیزه‌های مختلف و تاثیر آنها بر فرایند یادگیری دانش‌آموزان و دانشجویان به معلم کمک می‌کند تا در طرح و اجرای برنامه‌های آموزشی خود روش‌های بهتری را به کار ببندند (سیف، ۱۳۸۷).

از لحاظ پرورشی، انگیزش هم هدف است و هم وسیله. به عنوان هدف، ما از دانش‌آموزان و دانشجویان می‌خواهیم نسبت به موضوع‌های علمی و اجتماعی علاقه کسب کنند، از این رو تمام برنامه‌های درسی که برای آنها فعالیت‌های مربوط به جنبه‌های عاطفی در نظر گرفته شده است دارای هدف‌های انگیزشی هستند. به عنوان وسیله، انگیزش به صورت آمادگی روانی یک پیش نیاز یادگیری به حساب می‌آید و تاثیر آن بر یادگیری کاملا آشکار است. اگر دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به درس بی‌علاقه باشند به توضیحات معلم توجه نخواهند کرد، تکالیف خود را با جدیت انجام نخواهند داد و بالاخره پیشرفت چندانی نصیب آن‌ها نخواهد شد. اما اگر نسبت به درس علاقه‌مند باشند، هم به توضیحات معلم با دقت گوش خواهند داد، هم تکالیف درسی خود را با جدیت انجام خواهند داد، هم به دنبال کسب اطلاعات بیشتری در زمینه مطالب درسی خواهند رفت، و هم پیشرفت زیادی نصیب آن‌ها خواهد شد (سیف، ۱۳۸۷).

انگیزش پیشرفت تحصیلی عبارت است از گرایشی همه جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی ترین معیارهای تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است (وستلند[1] ۲۰۰۱).

انگیزش پیشرفت تحصیلی یکی از ملزومات یادگیری به حساب می‌آید و چیزی است که به رفتار شدت و جهت می‌بخشد و در حفظ و تداوم آن به یادگیرنده کمک می‌کند. با این انگیزه افراد، تحرک لازم را برای به پایان رساندن موفقیت‌آمیز یک تکلیف، رسیدن به هدف، یا دستیابی به درجه معینی از شایستگی در کار خود دنبال می‌کنند تا بالاخره بتوانند موفقیت لازم را در امر یادگیری و پیشرفت تحصیلی کسب کنند (محمدی، ۲۰۰۶، به نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸).

لوین[2] (۱۹۸۵) انگیزش پیشرفت را عالیترین شاهراه یادگیری دانسته است. بدین معنی که هرچه انگیزه فرد برای دانستن، آموختن و تحصیل بیشتر باشد، فعالیت و رنج و زحمت بیشتری برای رسیدن به هدف نهایی

1 Westland
2 Lewin

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

متحمل خواهد شد. وقتی فرد از انگیزه پیشرفت بالایی برخوردار باشد، به تکالیف درسی به خوبی توجه می‌کند، تکالیف درسی را جدی می‌گیرد و علاوه بر آن سعی می‌کند اطلاعاتی بیش از آنچه در کلاس درس به او می‌آموزند، یاد بگیرد. همچنین برای یادگیری، مهارت‌های لازم و راهکارهای مناسب را می‌یابد. بدیهی است که موفقیت در یادگیری نیز، سبب احساس توانمندی بیشتر و افزایش علاقه به موضوع یادگیری می‌شود (به نقل از ظهیری ناو و رجبی، ۱۳۸۸). گسین انگیزش پیشرفت را نیاز دانش‌آموز به دستیابی به موفقیت تحصیلی تعریف می‌کند. وی معتقد است این نیاز از فردی به فرد دیگر متفاوت است. برای برخی این نیاز بسیار زیاد و برای برخی دیگر بسیار کم است. او اضافه می‌کند که انگیزش پیشرفت از طریق فرایندهای اجتماعی آموخته می‌شود (به نقل از مولا[1]، ۲۰۱۰).

انگیزش پیشرفت تحصیلی، نیرویی درونی است که یادگیرنده را به ارزیابی همه جانبه عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است سوق می‌دهد و با اثر گذاشتن بر انواع مختلف فعالیت‌های تحصیلی به تمایل فرد برای رسیدن به هدف‌های تحصیلی اشاره دارد. انگیزش تحصیلی با هدف‌های ویژه، نگرش‌ها و باورهای خاص، روش‌های نائل شدن به آن‌ها و تلاش و کوشش فرد در ارتباط است. تحقیقات مختلف بر متمایز بودن جهت‌گیری انگیزشی دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف تاکید دارند (شهنی ییلاق و همکاران، ۱۳۸۴). اتکینسون[2] (۱۹۸۰) انگیزش پیشرفت را حاصل سه مولفه نیاز به پیشرفت، احتمال دست یابی به موفقیت و ارزش مشوق موفقیت می‌داند. نیاز به پیشرفت به معنای حالت انفعالی است و تلاش نسبتاً ثابت فرد برای کسب موفقیت است که همان حالت احساس غرور برای به اتمام رساندن کار است. احتمال موفقیت یعنی انتظار عملی که باعث دستیابی به هدف می‌شود و یک امر ذهنی با باور شخصی درباره شانس دست‌یابی به هدف است. ارزش مشوق موفقیت با احساس غرور در ارتباط با کار معین مشخص می‌شود، بدین معنا که کسب موفقیت در تکالیف دشوار نسبت به کسب موفقیت در تکالیف ساده احساس غرور پدید می‌آورد و در نهایت، با کاهش احتمال موفقیت، ارزش مشوق افزایش می‌یابد (اتکینسون، ۱۹۸۰).

مک کللند[3] انگیزش پیشرفت را یکی از صفات شخصی و نسبتا ثابت آدمی تعریف کرده است که ریشه‌های آن را می‌توان در دوران کودکی جستجو کرد (مک کللند، ۱۹۵۳).

نتیجه‌گیری

انگیزش پیشرفت، نیرویی درونی است که یادگیرنده را به بررسی همه جانبه عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه

1 Muola
2 Atkinson
3 McClelland

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

است سوق می‌دهد و با اثر گذاشتن بر انواع مختلف فعالیت‌های تحصیلی به تمایل فرد برای رسیدن به هدف‌های تحصیلی اشاره دارد. انگیزش تحصیلی با هدف‌های ویژه، نگرش‌ها و باورهای خاص، روش‌های رسیدن به آنها و تلاش و کوشش فرد در ارتباط است. بهترین راه ایجادعلاقه دریادگیرندگان بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفی روش‌های آموزشی است. از این طریق یادگیرندگان به موفقیت بیشتر در یادگیری نائل می‌شوند و این کسب موفقیت علاقه و انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطالب تازه افزایش می‌دهد. با توجه به مطالب ارائه شده در این پژوهش، انگیزش نقش بسزایی در یادگیری دانش‌آموزان دارد و برای نتیجه بهتر در فرایند یادگیری باید به آن توجه ویژه داشت تا انگیزش در دانش آموزان ایجاد شود. در سیستم یادگیری سنتی اهداف اصلی بر دستیابی به دانش تمرکز یافته است. یکی از چالش‌های اصلی در برابر روش‌های سنتی این است که گرچه، بحث آزاد در کلاس می‌تواند ایده‌ها و سوالات جدید زیادی را مطرح کند اما، با توجه به فقدان وقت خیلی از آنها نادیده گرفته می‌شوند و همچنین به دلیل اینکه روش‌هایی غیرفعال هستند و در اکثر اوقات باعث از بین رفتن انگیزش تحصیلی دانشجویان و دانش‌آموزان می‌شود. بهترین راه ایجادعلاقه دریادگیرندگان بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفی روش‌های تدریس است. از این طریق یادگیرندگان به موفقیت بیشتر در یادگیری نائل آمده و این کسب موفقیت علاقه و انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطالب تازه افزایش می‌دهد. کلاس درس وارونه یک استراتژی آموزشی و نوعی از یادگیری ترکیبی است که آموزش را به یک مدل دانشجو (شاگرد) محور تبدیل می‌کند که در آن، زمان کلاس صرف بررسی موضوعات به صورت عمیق و تخصصی و ساخت موقعیت‌های یادگیری جذاب می‌شود. کلاس وارونه را می‌توان شیوه‌ای آموزشی قلمداد کرد که شامل دو بخش است: آموزش مستقیم انفرادی و استفاده از محتوای آماده شده و یا معرفی شده توسط معلم، مانند فیلم‌های آموزشی، چندرسانه‌ای‌ها، پادکاست و از این قبیل (در خارج از کلاس) و فعالیت‌های یادگیری گروهی و تعاملی در داخل کلاس. اجرای راهبردهای کلاس وارونه باعث افزایش درک فراگیران نسبت به اهمیت فعالیت‌های قبل از کلاس درس و تقویت آن در داخل کلاس درس خواهد شد. کلاس وارونه یک رویکرد کلی است که باید همه طبقات حوزه شناختی بلوم را در بر داشته باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ حیدری، ط، کریمیان، ن، حیدری، ز، و امیری رفاهانی، ز، (۱۳۸۸). مقایسه تاثیر تدریس به روش سخنرانی با بازخورد و سخنرانی به روش سنتی بر میزان یادگیری و کیفیت تدریس. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک، ۱۲ (۴)، ۳۴-۴۳.

ـ اسماعیلی‌فر، محمدصادق؛ تقوایی یزدی، مریم، نیازآذری، کیومرث (۱۳۹۴) "تاثیر رویکرد کلاس معکوس بر احساس تعلق به مدرسه دانش‌آموزان دوره ابتدایی" پایگاه سیویلیکا. کنفرانس ملی مطالعات هنر و پژوهش‌های علوم انسانی. تهران: موسسه مدیریت دانش شباک.

ـ حقانی، فریبا؛ رضایی، حبیب‌الله؛ بیگ‌زاده، امین؛ اقبالی، بتول (۱۳۹۵). کلاس وارونه: یک روش آموزش تربیتی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. ۱۶ (۱۱).

ـ عباسی، حامد. (۱۳۹۵). تولید محتوای الکترونیکی پیشرفته. تهران: انتشارات ناقوس.

ـ یوسفی، علیرضا، قاسمی، غلامرضا، فیروزنیا، سمانه(۱۳۸۸). ارتباط انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. سال۹، شماره۱، صص: ۸۴-۷۹.

ـ سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۱). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. ویراست هفتم. تهران: نشر دوران.

ـ سید جوادین سیدرضا (۱۳۸۶)، مبانی سازمان و مدیریت، نگاه دانش، چاپ دوم

1- Yang, R,(2017). An Investigation of the Use of the ‘Flipped Classroom’ Pedagogy In Secondary English Language Classrooms. journal of information technology education: in novation in practice on official publication of the in forming science institute in forming science. Org.

2- Hamdan, N, McKnight, P, McKnight, K, Arfstrom, K. M. (2013). “A review of flipped learning, Flipped Learning Network.”

3- Muola,J. M. (2010). A study of the relationship between academic achievement motivation and home environment among standard eight pupils. Educational Research and Reviews, 5 (5), pp: 213-217.

4- Westland E, Arche T. Exploring cross-cultural difference in self concept. Cross Cult Res. 2001;35(3):280-302.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]